

انتشارات هیلاز مان باالزن ها، اثر محمدرضا کاتب راطی روزهای گذشته منتشر کرد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران، محمدرضا کاتب طی روزهای گذشته اثری جدید باالزن باالز ها را، توسط انتشارات هیلاز راهی بازار نشر کرده است. این رمان یک داستان فلسفی، اسطوره‌ای، پلیسی و جنایی است پژوهشگری توانا در حوزه سبک‌های هندی، محلی‌سرای چیره دست و صاحب‌محفلی‌نام آشپاد.

محمّد قهرمان در سال ۱۳۰۸ در روستای امیرآباد در نزدیکی شهر تربت حیدریه دیده به جهان گشود. در سال پنجم دبیرستان در مشهد بازنده‌یاد مهدی اخوان ثالث هم کلاس شد و این دوستی ادامه یافت. سال ششم ادبی را در دبیرستان البرز تهران به پایان رساند و سپس در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران در رشتهٔ قضایی ادامه تحصیل داد، اما هرگز به دنبال کار حقوقی نرفت و فقط به شعر پرداخت. وی از آذر ۱۳۴۰ به مدت ۲۷ سال تا بازنشستگی به‌عنوان کتابدار دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فردوسی مشغول به فعالیت بود.
علاقهٔ محمد قهرمان در سرودن شعر، در غزل و به‌ویژه سبک هندی به اندازهای بود که یکی از شعرای بنام غزل سرای هندی شد.
اوزبان‌بومی تربت حیدریه را به خوبی می‌دانست و بسیاری از اشعاروی که به زبان محلی سروده شده‌اند، در ردیف اول شعر بومی قرار دارند. از سال ۱۳۳۹ در منزل شخصی‌اش انجمن ادبی به‌صورت هفتگی بر گزار می‌شد. او صاحب تألیفات ارزنده‌ای از جمله چند مجموعه شعر است. در کارنامهٔ او همچنین تصحیح و چاپ چند دیوان از شاعران مختلف به‌ویژه دیوان صائب به‌چشم می‌خورد.

رهنوردان را به پای‌های سعی منزل دور نیست موج‌ها را دست از دامان ساحل دور نیست دانه امیدوارِی خوشه در لب بسته است گر دل‌ها را باشد از آن چشم حاصل دور نیست در بیابانی که دامنش از رگ هشیاری است بند اگر پیچد به پای صید غافل دور نیست هر که رفت از دیده می‌گوبند از دل می‌رود دلبر ما نظر دور است و دل دور نیست شه‌د جان‌پرو طمع کرد مز چرخ سنگدل از پشیمانی خورم گر هر قائل دور نیست از خطا ایمن نه‌ای در این چهار انگشت راه چشم و گوش خویش وا کن حق ز باطل دور نیست چون نهال خشک دل کند مز آب و گل ریشه اگر ابر برون آرن‌د از گل دور نیست

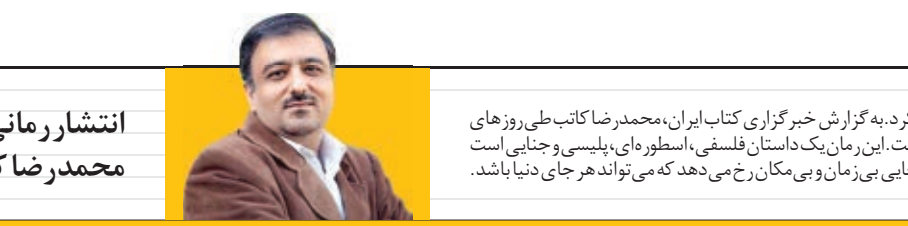
شب از آغوش گل بالین و بستر می‌کند شبنم سحرگاهان سفر با دیده‌تر می‌کند شبنم نگاه گرم جانان با پرواز است عاشق را به‌سوی آسمان پرواز بی‌پرمی‌کند شبنم اگر چون قطره اشکی شون چشم آسمان افدت سحر از چشمه خورشید سر بر می‌کند شبنم مرا از این دل ناکام شرم آید چومی بینم شبی تابصیح در آغوش گل سر می‌کند شبنم جدایی سخت باشد آشنایان را یک‌دیگر وداع بوسنان با دیده‌تر می‌کند شبنم نمی‌کاهد اگر از عمر عاشق وصل گروایان چرا از خنده گل عمر کمتر می‌کند شبنم؟

هنوز از بوی گیسویی پریشان می‌توانم شد به‌روی خوب چون آیینهِ حیران می‌توانم شد زپیری که چرخه خاکستر نقشست بر سر ورویم چوآخگر شسته‌رواز باد دامان می‌توانم شد پس از عمری زند گر خنده ای آن گل به‌روی من به چندین رنگ چون لبل غزل خوان می‌توانم شد به‌سوی تانواونی کاش از چشم‌هایم نیندازد که بر گردش توانم گشت و قربان می‌توانم شد به‌هیچم گر که می‌دانی گران ای عشق مهلت ده ز قطع مشتری زین بیش ازان می‌توانم شد جهان گر از بخیلی بر نچیند زود خوانش را دوروزی بر سر این سفره مهمان می‌توانم شد مرا کفر سر زلفت ز ایمان بازی می‌دارد اگر جستمز دام او مسلمان می‌توانم شد می‌شادی و غم با خیالت عالمی دارم ز برق خنده ات چون ابر گریان می‌توانم شد ز هجرت خشک‌تر از شاخه در فصل زمستانم رسی گر چون بهار از ره گل افشان می‌توانم شد به بازی بازی از میدان هستی می‌روم بیرون مشغافل که زود از دیده پنهان می‌توانم شد

هنوز از بوی گیسویی پریشان می‌توانم شد به‌روی خوب چون آیینهِ حیران می‌توانم شد زپیری که چرخه خاکستر نقشست بر سر ورویم چوآخگر شسته‌رواز باد دامان می‌توانم شد پس از عمری زند گر خنده ای آن گل به‌روی من به چندین رنگ چون لبل غزل خوان می‌توانم شد به‌سوی تانواونی کاش از چشم‌هایم نیندازد که بر گردش توانم گشت و قربان می‌توانم شد به‌هیچم گر که می‌دانی گران ای عشق مهلت ده ز قطع مشتری زین بیش ازان می‌توانم شد جهان گر از بخیلی بر نچیند زود خوانش را دوروزی بر سر این سفره مهمان می‌توانم شد مرا کفر سر زلفت ز ایمان بازی می‌دارد اگر جستمز دام او مسلمان می‌توانم شد می‌شادی و غم با خیالت عالمی دارم ز برق خنده ات چون ابر گریان می‌توانم شد ز هجرت خشک‌تر از شاخه در فصل زمستانم رسی گر چون بهار از ره گل افشان می‌توانم شد به بازی بازی از میدان هستی می‌روم بیرون مشغافل که زود از دیده پنهان می‌توانم شد

نازک دل آفریند مانند لاله مارا وانکه به هم شکستند با سنگ زاله مارا روزی که دست ایجاد می ریخت رنگ قسمت بر خون نوشته شد رزق مانند لاله مارا کی سرمه سایی شب آواز را کند شست شب هاشمی توان دید ای آه و ناله مارا در دفتر سبز وروزو بسیار سیر کردیم افزود بی سواد ی از این ساله مارا مارا اشکفته می داشت چون لاله شبنم می چشم حسود نگذاشت نم در هیاله مارا ای ماه آسمانی بودو نبود ما چیست بر گرد سر بگردان مانند هاله مارا جانابرای بوسی دلخون‌تر از حنائیم بر دست و پا توان داری حواله مارا با آنکه از جوانی پیرو شکسته بودیم صد سال پیرتر کرد این چند ساله مارا

موجم برده به‌هرو با د‌ست و پای بسته بازچه محیطم چون کشتی شکسته در انتظار باران در خشکسال ماندم لرزان چو خوشه سبز بر دانه‌های بسته از فیض بی‌وجودی در دستهای گدزون ایمن ز گوشمالم چون رشته گسسته شکرانه‌وصالت گرمی پیزی را ما داریم نیمه جانی از چنگ هجر رسته تاشوق وصل دارم ای بی‌ر آتشمن در دامن‌زدن چه حاصل بر شعله‌نخسته نتوان به عمر هارفت ای کمبه حقیقت راهی که می‌گذاری در پیش‌پای خسته خود را رسانده گیرد آهم به‌گوش تاثیر ببند خواب پرواز مرغان بر شکسته



گزارشی از بزرگداشت فردوسی در کرمان

فردوسی، مهمان ویژه خواجه



شهر خواجهی کرمانی، شهر کریمان و همان شهری که فردوسی هم از آن یادی می‌کند و می‌گوید: «چو بگذشت یک چند بر هفتواد / مر آن حصن را نام کرمان نهاد، در روزهایی که حال و هوای یادروز فردوسی را داشت، شاهد بر گزار ی نگوداشت فردوسی بود و پاسداشت زبان فارسی. در واقع خواجهی استاد غزل روزی را به میزبانی فردوسی استاد مثنوی گذراند تا در این همنشینی غزل و حماسه، پلی زده شود از خراسان شعر تا کرمان دل.

مراسم در سالی که نام هنرمند بومی، زنده یاد ایرج بسطامی را بر پیشانی خود داشت بر گزار شد؛ به کوشش بنیاد فردوسی توس، بنیاد فردوسی کرمان، سازمان بین المللی اکو و همت نهادهای این شهر و به‌ویژه محمدرضا عامری، خیر فرهنگ ی و نیک اندیش کرمان که خود در منزلش نگارخانه ای از داستان های شاهنامه را روی کاشی نصب کرده است. در ابتدای مراسم مدیر هم مرکز کرمان شناسی در سخنانی فردوسی را متعلق به همه ایران و بلکه جهان دانست و گفت: فردوسی فقط زبان و اخلاق و ادبیات و اسطوره و وطن خواهی ارزنده نکرد اما تمام این‌ها را حفظ کرد و مجموع این ارزش‌ها در شاهنامه فردوسی وجود دارد.

در ادامه ناصر فرهادی، مدیر بنیاد فردوسی شاخه کرمان گزارشی از برنامه‌های این بنیاد داد و گفت: تشکیل کلاس‌های شاهنامه‌شناسی، انتشار ماهنامه، تجلیل از نخبگان و همکاری با دیگر نهادهای فرهنگی

و دانشگاهی از برنامه‌های این بنیاد بوده است. در این مراسم همچنین از کتاب «اسطوره‌ها» که مجموعه مقالات ناصر فرهادی است، رونمایی شد و دکتر خیر آبادی، مدیر بنیاد فردوسی توس هم در تمجید از این کتاب، آن را یکی از آثار ارزشمندی بر شمر د که برای پاسداشت فردوسی منتشر شده است.

شعر خوانی عباس دبستانی در وصف فردوسی، شاهنامه خوانی گرم استاد کیخسرو دهقانی و اجرای موسیقی از دیگر برنامه‌های این مراسم بود. گروه سماع که در این برنامه شاهنامه خوانی کرد، تاکنون اجراهای مختلفی در کشور های ژاپن، ترکیه، هندوستان و ترکیش داشته است. هدف این گروه موسیقی ترویج فرهنگ حماسه خوانی و شاهنامه خوانی است. مقام سوم جشنواره ملی خلیج فارس، گروه برگزیده در جشنواره شاهنامه خوانی در فرهنگستان هنر، گروه برگزیده جشنواره‌ها و نواهای پهلوانی در کارنامه این گروه وجود دارد.

اجرای شاهنامه خوانی کودک خردسال یاسین یزدان پناه کلاس دوم دبستان نیز با استقبال حاضران رو به روشد.

ادبیات و هنر

ارکستر سازهای بادی تهران

کنسرت می‌دهد

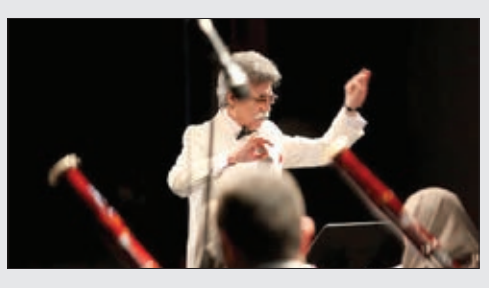
ر هبر ارکستر سازهای بادی تهران در تشریح تازه‌ترین فعالیت های این مجموعه، در تلاش برای اجرای چند برنامه در نیمه دوم امسال سخن گفت.

به گزارش جام‌جَم آنلاین، جابود مجلسی مدرس موسیقی و رهبر ارکستر سازهای بادی تهران در گفت‌وگو با مهر با اشاره به تازه‌ترین فعالیت‌های این مجموعه موسیقایی بیان کرد: بعد از برگزاری مجموعه کنسرت های موفقی که همراه نوازندگان ارکستر سازهای بادی تهران داشتیم، مدتی بود که بنابه دلایلی فعالیت نمی کردیم اما به تازگی قرار است بعد از مدت ها دور هم جمع شویم و اگر مشکلی وجود نداشته باشد از نیمه دوم سال برنامه‌هایی را برای علاقه‌مندان موسیقی اجرا کنیم.

وی افزود: مجموعه ارکستر سازهای بادی تهران گروه بزرگی است که برگزاری کنسرت برای این مجموعه کار آسانی نیست است بخوایم در عرض چندروز و چند ساعت مقدمات اجرای صحنه ای آن را فراهم کنیم. حضور یک حامی مالی قوی که بتواند در روندی حداقل یک ساله پشتیبانی های لازم را برای فعالیت های مجموعه ضروری چون ارکستر سازهای بادی تهران انجام دهد، مهیا نشده است به همین دلیل امیدوارم با مذاکراتی که طی ماه های اخیر با چند حامی مالی انجام دادیم، بتوانیم به زودی شاهد اجرای دوباره مجموعه ارکستر سازهای بادی تهران باشیم.

رهبر ارکستر سازهای بادی تهران در بخش پیاپی صحبت های خود گفت: به زودی جزئیات برنامه های جدید ارکستر سازهای بادی تهران برای علاقه مندان اعلام می شود و اگر برنامه ها به صورت منظم پیش رود، در آذرماه امسال تازه ترین کنسرتمان را برگزار می کنیم که به طور حتم در برگیرنده برنوار های جدیدی است و می تواند مورد توجه مخاطبان قرار گیرد.

ارکستر سازهای بادی تهران از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را در عرصه موسیقی آغاز کرد. یکی از نکات قابل توجه این ارکستر وجود تمامی سازهای بادی در کنار هم است که نظیر این حرکت کمتر در گروه های موسیقی ایران وجود داشته است. این مجموعه سال ۱۳۸۷ موفق به کسب مقام اول جشنواره موسیقی فجر نیز شده است. صومق اینکه برگزاری چندین کنسرت از خوانندگان مطرحی چون علیم قاسم اف خواننده شهریکشور آذربایجان از جمله فعالیت های این مجموعه در سال های اخیر است.



موسیقی

۱۱

ادبیات انقلاب
